

چندتا از واژه‌های زیر درست معنا شده است؟

"زهی: ادات تحسین / شکن: گردی صورت / پیرایه: زیور / بن: بیخ / غلغله‌زن: شور و غوغا کنان / زهره‌در: حریص"

- | | |
|-----------|------------|
| (۱) یکی | (۲) دوتا |
| (۳) سه‌تا | (۴) چهارتا |

کدام بیت با سایر ابیات ارتباط معنایی ندارد؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| (۱) روی توام در نظر، فکر توام در ضمیر | بهرتر از این چون بود، صورت و معنی مرا؟ |
| (۲) مردی که هیچ جامه ندارد به‌اتفاق | بهرتر ز جامه‌ای که درو هیچ مرد نیست |
| (۳) پس به صورت آدمی فرع جهان | وز صفت اصل جهان این را بدان |
| (۴) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست | ای برادر سیرت زیبا بیار |

همه گزینه‌های زیر آرایه‌های "تلمیح و تشبیه" دارند، به جز گزینه

- | | |
|---|--|
| (۱) آن که در جام خضر آب بقا ریخته است | به لب تشنه ما زهر فنا ریخته است |
| (۲) یارب این آتش که در جان من است | سرد کن، زان‌سان که کردی بر خلیل |
| (۳) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم مخور | کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور |
| (۴) عطا از خلق چون جویی، گر او را مال‌ده گویی | به‌سوی عیب چون پویی، گر او را غیب‌دان بینی |

نقش دستوری کدام واژه مشخص شده با نقش دستوری واژه "عقل" در بیت زیر یکسان است؟

"دوش مرغی به صبح می‌نالید / عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش"

- | | |
|---|---|
| (۱) به مجلس کرم از ساقی‌ای طلب کن جام که تا ابد نکنی عرض احتیاج به جم ← جام | |
| (۲) حسن تو دارد دو حق بر من محزون که هست | عشق مرا راهبر عقل مرا راهزن ← محزون |
| (۳) خورشید اگر صعود کند صد هزار قرن | مشکل اگر به نعل سمندش کند قران ← خورشید |
| (۴) می‌برد از اژدها افعی رمحش سبق | می‌دهد از ذوالفقار شعله تیغش نشان (رمح: نیزه) ← رمح |

در کدام گزینه واژه‌های با معنای نادرست بیشتر آمده است؟

- | |
|--|
| (۱) آبنوس: آبی تیره / عامل: والی / گبر: کلاه‌خود |
| (۲) زجر: شکنجه / بارگی: دیوار / زه: وتر |
| (۳) ستوه: مقاوم / مزیح: شوخی / همورد: رقیب |
| (۴) مصادره: جریمه کردن / عنان: دهانه / خدنگ: نادان |

کدام کلمه در ابیات زیر استعاره است؟

"شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا
ای گلبن جوان بر دولت بخور که من
من پیر سال و ماه نیم یار بی‌وفاست
بر منتهای همت خود کامران شدم
در سایه تو بلبل باغ جهان شدم
بر من چو عمر می‌گذرد پیر از آن شدم"

(۱) همت (۲) بلبل

(۳) من (۴) عمر

متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

"با زهرخندی گفت داد نزن: "من گوش استماع ندارم لمن تقول". فهمیدم که هم شده است."

- (۱) اگر بشنوی نصیحت و گر نشنوی، به صدق
(۲) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
(۳) نه لب از گفتن خبر دارد نه گوش از استماع
(۴) چه حاجت است عیان را به استماع بیان؟
- گفتیم و بر رسول نباشد به جز بلاغ
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
در میان اهل دل گفت‌وشنود دیگرست
که بی‌وفایی دور فلک نهانی نیست

مفهوم کدام بیت با عبارت "نبینی که یوسف را از روی نیکو، بند و زندان آمد و از خوی نیکو، امر و فرمان آمد؟ از روی نیکوش حبس و چاه آمد و از خوی نیکوش تخت و گاه آمد" نزدیک است؟

- (۱) چو کامت بر نمی‌آید به ناکامی فروده تن
(۲) هزاران جان یعقوبی همی‌سوزد از این خوبی
(۳) لفظ دلبر راندم اما خلق را دل برنتافت
(۴) درگذر از فضل و از جهدی و فن
- که در زندان ناکامی نیابی کامرانی تو
چرا ای یوسف خوبان در این چاهی، نمی‌دانم!
شعر نیکو گفتم اما قوم را مشعر نبود
کار خدمت دارد و خُلق حسن

در گروه‌ها و واژه‌های کدام گزینه غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) سادگی و صداقت - حرس و پاسدار - صلیب سرخ - تاریخ و اسطوره - آذار و اذیت
(۲) دریای مَواج و متلاطم - ظنّ و گمان - همهمه و صدا - انفجار مهیب - خصم بدسرشت
(۳) افسرده و خاموش - خاک آزادگان - تیغ و نیزه - قالب و مضمون - شیوه بلاغی
(۴) ازدحام و غلغله - اصرار و اجبار - مقنعه و روبند - بنات و دختران - جرئت و شهامت

در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) بچه‌ها، آماده و مصلّح، با جلیقه‌های نجات در نخلستان‌های حاشیه‌ی ارون‌درود، پیشانی‌بند زائران کربلا را می‌بندند.
(۲) عیسی بر سیبل تلطف جوابش باز داد و آن شخص مسلّم نداشت و آغاز عربده و سفاحت کرد.
(۳) سیرتش نیکوترین سیرت‌ها بود، از بهر آنکه در مقابله‌ی جفا، وفا کرد و در مقابله‌ی لعیمی، کریمی کرد.
(۴) زندگی مرقّه‌ی نداشتند. پیرمرد شندرغازی از وزارت فرهنگ می‌گرفت و صرف و خرج خانه و اهل‌وعیال می‌شد.

"نادره: بی همتا - حازم: محتاط - زهی: شگفتا - نمط: طریقه - کام: دهان - دستبرد: دزد - مستغنی: بی نیاز"

- (۱) چهارتا
(۲) سه تا
(۳) دو تا
(۴) یکی

نقش دستوری واژه های قافیه بیت زیر، به ترتیب با نقش دستوری دو واژه مشخص شده کدام بیت برابر است؟
"چو بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من"

- (۱) ابلقی را کآسمان کمتر چراگاه وی است چند خواهی بست بر خشک آخور آخر زمان (ابلقی - آسمان)
(۲) تا نگارستان نخوانی طارم ایام را کز برون سو زرنگار است از درون سو خاکدان (طارم - خاکدان)
(۳) جای نزهت نیست گیتی را که اندر باغ او نیشکر چون برگ سنبل زهر دارد در میان (زهر - میان)
(۴) از نسیم انس بی بهره است سروستان دل وز ترنج عافیت خالی است نخلستان جان (سروستان - ترنج)

در کدام گزینه استعاره کمت وجود دارد؟

- (۱) بت منا که چو لعل تو نیست سنگ یمن بریز لعل که بارد سحاب در عدن
(۲) ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد
(۳) اندر آن در کشتی و بغداد بین صد هزاران قامت شمشاد بین
(۴) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد بهار عارضش خطی ز خون ارغوان دارد

کدام گزینه مسجع نیست؟

- (۱) از تن بی دل طاعت نیاید و پوست بی مغز بضاعت را نشاید.
(۲) کسی که بر وی اعتمادی تمام است او را اشراف فرمایند تا آنچه به درگاه رود او می داند.
(۳) نه هرچه به صورت نیکوست سیرت زیبا در اوست؛ کار اندرون دارد نه پوست.
(۴) الهی اگر طاعت بسی ندارم، اندر دو جهان جز تو کسی ندارم.

کدام بیت با سایر گزینه ها تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) هرکه را مهر وطن در دل نباشد کافر است معنی حب الوطن، فرموده پیغمبر است
(۲) کجا می توانی ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من؟
(۳) ای مام وطن تا به ابد هیچ نباشد جز زمزمه عشق تو زین پس سخن من
(۴) نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش بتازد به نیرنگ تو، توسن من

در کدام دو بیت، "ممال" به کار نرفته است؟

- الف) نکه کرد رستم بدان سرفراز
بدان چنگ و یال و رکیب دراز
- ب) من ایدون گمانم که تو رستمی
گر از تخمۀ نامور نیرمی
- ج) ملک را بود در رفتن حجیبی
نبودش هم به نارفتن شکیبی
- د) بر دل سرکشان کشید کمان
بر صف دشمنان گشاد کمین

- ۱) ب - د
۲) الف - ج
۳) الف - ب
۴) ج - د

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"کام: دهان / معرکه: میدان جنگ / تعلل: درنگ کردن / قفا: روبه‌رو / فروغ: پرتو / نمط: روش / ورطه: مهلکه / یله: رها / زهی: آفرین / هنگامه: غوغا / مفتاح: کلیدها"

- ۱) یکی
۲) دو تا
۳) سه تا
۴) چهارتا

در چندتا از ابیات زیر، جملهٔ غیرساده دیده می‌شود؟

- از سر من گر قدم، بازگرفتی چه شد
لطف تو صد در گشاد، یک در اگر بست بست
- کام دل خویش یافت، هرکه به درد تو مرد
درد دل خویش جُست، هرکه ز درد تو جست
- خادم نقاش فکر، نقش رخت سال‌ها
خواست که بر لوح جان، بندد و صورت نبست
- از پی محنت شود، مست محبت، مدام
هرکه شراب "بلی"، خورد ز جام است

- ۱) یک بیت
۲) دو بیت
۳) سه بیت
۴) هر چهار بیت

کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) "قابوس‌نامه" اثر عنصرالمعالی کیکاووس و در زمرهٔ ادبیات تعلیمی است.
- ۲) تابلوی "ظهر عاشورا" اثر استاد محمود فرشچیان است.
- ۳) کتاب "پاسداری از حقیقت" اثر علی موسوی گرمارودی و در قالب سپید است.
- ۴) "دیوار" اثر منثور جمال میرصادقی، نویسندهٔ معاصر است.

مفهوم کنایی مصرع دوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) کسی را که رستم بود هم‌نبرد
سرش ز آسمان اندر آید به گرد
- ۲) وگرنه بیوشم سلیح نبرد
به جنگ اندر آیم به کردار گرد
- ۳) تهمتن به قلب اندر آمد نخست
زمین را به خون دلیران بشست
- ۴) همه کار من گشت خواهد تباه
بترسم درآید به خاکم کلاه

- (۱) در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست
 (۲) بدان دو نرگس مستش عظیم مخمورم
 (۳) به یاد نرگس مستش گرفته‌ام قدحی
 (۴) دو چشمش بسان دو نرگس به باغ
- مست از می و می‌خواران از نرگس مستش مست
 چو بشکنند خمارم چه خوش بود به خدا
 دگر می‌پرس ز من عالمی دگر دارم
 مژه تیرگی برده از پَر زاغ

کدام بیت نادرستی املایی یا رسم‌الخطی دارد؟

- (۱) از کف و شمشیر توست معتدل ارکان ملک
 (۲) گرچه بدون تو چرخ تاج و نگین داد لیک
 (۳) گر به جهان زین نمت کس سخنی گفته است
 (۴) شاه جهان نظم غیر داند از سحر من
- زین دو اگر کم کنی ملک شود ناتوان
 رقص نزیید ز بز، تیشه‌زنی از شبان
 بنده به شمشیر شاه باد بریده زبان
 اهل بصر گوشت گاو دانند از زعفران

مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متناسب نیست؟

- (۱) از تو در شگفت هم نمی‌توانم بود / که دیدن بزرگی‌ات را چشم کوچک من بسنده نیست
 (۲) نمی‌رسد به کمال تو شرح ناطقه‌ام
 (۳) نه شگفت ار گل طبعم ز نسیمش بشکفت
 (۴) نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت
- فزون ز حدّ بیانی علی ولی الله
 مرغ شب‌خوان طرب از برگ گل سوری (گل محمدی) کرد
 متحیّر چه نامم شه ملک لافتی را

مفهوم آیه (الا بذكر الله تطمئن القلوب) با کدام بیت قرابت ندارد؟

- (۱) نباشد دشمنی عالم بود دوست
 (۲) راندیم ز دل هرچه نه با یاد خدا بود
 (۳) کی دلم چون مرغ بسمل گیرد از مردن قرار
 (۴) مطمئن می‌شود البته دل از یاد خدا
- چو نفسی مطمئن شد عالم از اوست
 پس در کنف سایه‌وی جای گزیدیم
 عاشقان را در دل آرام از دلارام است و بس
 بعد از این جز ز توکل به خدا دم نزنم

نقش دستوری "خود" و نقش دستوری "ضمیر پیوسته" در بیت زیر به ترتیب کدام است؟
 "چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید"

- (۱) متّم، مفعول
 (۲) متّم، مضاف‌الیه
 (۳) مفعول، مضاف‌الیه
 (۴) مفعول، مفعول